

## سیمای جنگ تحمیلی در شعر شاعران فارسی سرای ایلامی

محمد جلیل بهادری\*

### چکیده

هدف این مقاله بیان برخی از مضامین مرتبط با جنگ تحمیلی و وصف رشادت‌های مدافعان میهن اسلامی در شعر شاعران ایلامی است. یکی از رویدادهایی که بر شعر معاصر و به ویژه سروده‌های شاعران ایلامی تأثیر بسزایی داشته، جنگ تحمیلی است. نمادها و مضامین خاص جنگ چنان بر روح و فکر سراینندگان این دیار سایه انداخته، که کمتر اثری را می‌توان یافت عاری از این مؤلفه‌ها باشد. شهید، شهادت طلبی، جبهه، خاطرات جنگ، اُسرا، جانبازان، مفقودالآثرها و وصف شهرهای جنگ‌زده از مضامین عمده‌ی این نوع شعر شاعران ایلامی است. شاعران استان یا خود لحظات و رویدادهای جنگ را تجربه کرده‌اند یا بارها از دیگران شنیده و آثار آن را حس کرده‌اند؛ بنابراین، این حادثه جزء لاینفک روح و ضمیر آنان گشته و در اشعارشان ظهور یافته است. در این مقاله که به روش معمول مطالعات کتابخانه‌ای و استفاده از اسناد و آثار منظوم شاعران بومی استان به رشته‌ی تحریر درآمده، تلاش شده برخی از مضامین مرتبط با جنگ تحمیلی در سروده‌های فارسی شاعران استان ایلام بیان شود.

واژگان کلیدی: شعرایلام، شاعران ایلامی، جنگ، ادبیات پایداری

---

\* مربی دانشگاه آزاد اسلامی - واحد ایلام

## مقدمه (بیان مسأله و اهمیت موضوع)

ویرانگری، قتل و کشتار، ناکامی، عقب ماندگی، مشکلات اقتصادی و اجتماعی از معایب و مضرات جنگ هاست. بروز جنگ، آشفتگی و اضطراب را در درون جامعه‌ی جنگ‌زده، ایجاد می‌کند و دریچه‌ی بسیاری از پیشرفت‌ها و شکوفایی‌ها را مسدود می‌نماید؛ اما در متن همین معایب، محاسن و ارزش‌هایی پای به عرصه‌ی ظهور می‌نهند که هر یک تبارنامه‌ی هویت و موجودیت کشوری را می‌نمایانند؛ به درستی که «جریان‌های ادبی در طول تاریخ، تحت تأثیر پدیده‌های اجتماعی شکل گرفته‌اند. جنگ تحمیلی عراق علیه ایران به مثابه‌ی یک پدیده‌ی عظیم و تأثیرگذار اجتماعی، بازتاب‌هایی در رایج‌ترین هنر نوشتاری؛ یعنی شعر داشته است.» (کافی، ۱۳۹۰: ۳۶۴).

جنگ که دانشگاهی به گستردگی مرزهایمان بنا کرد، ادبیات را هم در دو عرصه‌ی نظم و نثر از برکات و نعمات خود برخوردار و بهره‌مند گردانید. ادبیات که تا آن زمان بیشتر با لطافت‌ها، ظرافت‌ها و نازها و نیازها شناخته می‌شد، دردوره‌ی پرمخاطره و جاویدان جنگ تحمیلی، ترجمان‌پایداری‌ها، اعتقادات و سرافرازی‌ها گشت و شاعران و نویسندگان، آمیزه‌ای از سوگ و حماسه را به تصویر کشیدند. در این تصویر شیوا و گویا هر حق‌جوی حقیقت‌طلبی، احساسات‌ملی را که با اندیشه‌های دینی تلفیق شده بود با چشم دل مشاهده می‌کرد، در متن این چشم‌انداز دل‌پذیر و شگفت‌انگیز، از خود گذشتگی‌های ملتی تماشایی بود که به جرم دفاع از عقیده، استقلال و آزادی خواهی، تاوان سنگینی پس می‌داد. با آغاز جنگ، فداکاری، شهادت‌طلبی، عشق و شوریدگی و همه‌ی ارزش‌های اخلاقی و انسانی، سوژه‌های گران‌قدری بودند که توجه عده‌ی زیادی از شاعران و نویسندگان را به خود معطوف کردند، پس از آن پیوسته و مستمر، صفحه یا صفحاتی از روزنامه‌ها و نشریات مختلف به ادبیات جنگ و پایداری اختصاص یافت و در کمترین زمان صدها کتاب و مقاله، ساده و صمیمانه، سفیران صادق و مبلغان راستین

مجاهدت‌های مجاهدان و رزمندگانی شدند که از هر سوی در محاصره‌ی شوم خون آشامان شب پرست تیغ بر کف بودند.

شعر و ادبیات تجلی‌گاه اندیشه‌ها و فرهنگ مردم است و هرگاه در میان ملتی، رویدادی بزرگ به بزرگی جنگی هشت ساله اتفاق بیفتد، مطمئناً بر ادبیات آن ملت تأثیر زیادی خواهد گذاشت. تأثیر رویداد جنگ هشت ساله‌ی عراق علیه ایران؛ البته، بر مردم ایلام و بالتبع شاعران این خطه تأثیر مضاعفی داشته که آثار و تبعات آن را به صورت مستقیم لمس کرده‌اند. از این رو، شرح رشادت‌های مردم ایران و بازگو کردن توطئه‌های دشمنان ایران و اسلام برای نسلی که جنگ تحمیلی را درک نکرده‌اند از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

**روش تحقیق:** این مقاله از نوع توصیفی و روش گردآوری داده‌ها به شیوه‌ی اسنادی (کتابخانه‌ای) انجام شده است. جامعه‌ی آماری تحقیق شامل اغلب آثار شاعران ایلامی است که در خصوص موضوع دفاع مقدس سروده شده‌اند. بنا به محدودیت منابع، نمونه‌گیری انجام نشده و با استفاده از روش تمام شماری بررسی‌های لازم به عمل آمده و از آن جا که مبنای کار محقق، تحلیل محتوای کمی اشعار نیست از این رو، از داده‌های کمی در گزارش نتایج استفاده نشده است.

### پیشینه‌ی شعر ایلام

آنچه که از آن تحت عنوان شعر ایلام نام می‌بریم، مجموعه‌ی آثاری است که تا کنون به وسیله‌ی شاعران استان ایلام خلق شده و طبیعتاً دارای برخی ویژگی‌های منحصر به فرد است که آن را از شعر شاعران ایرانی متمایز می‌گرداند؛ البته، ویژگی‌های مشترک این دو نوع شعر بسیار است. چندزبانه بودن شعر شاعران ایلامی یکی از ویژگی‌های آن است. شاعران استان به زبان‌ها و گویش‌های فارسی، کردی، لری و لکی شعر سروده و آثار قابل توجهی آفریده‌اند. هم‌چنین، کاربرد عناصر و مضامین بومی از ویژگی‌هایی است که شعر شاعران ایلامی را مانند اشعار دیگر مناطق متمایز می‌گرداند.

بر اساس مدارک و آثار به دست آمده «قدمت نخستین آثار شعری به زبان ادبی کردهای غرب کشور، به سده‌های سوم و چهارم هجری قمری می‌رسد و از این حیث شروعی هم‌زمان یا اندکی پیشتر با فارسی دری داشته است.» (سارایی، ۱۳۸۵: ۵۷).

### شعر و ادبیات پایداری

ادبیات پایداری یا مقاومت گونه‌ای از ادبیات است «که محصول همدلی میهنی یا قومی در برابر گونه‌ای تجاوز طبیعت بشری است» (کاکایی ۱۳۸۰: ۹۴۰؛ به نقل از معین الدینی ۱۳۹۱: ۱۷۰) این نوع ادبی معمولاً «از طرف مردم و پیشروان فکری جامعه در برابر آن چه حیات مادی و معنوی آن‌ها را تهدید می‌کند به وجود می‌آید.» (بصری ۱۳۸۸: ۲۶؛ به نقل از همان ۱۳۹۱: ۱۷۰)

ادبیات مقاومت حوزه‌ای به گستره‌ی جنگ و دفاع در جامعه‌ی انسانی دارد (کافی ۱۳۸۷: ۳۸۸؛ همان، ۱۳۹۱: ۱۶۹-۱۷۰)؛ به همین خاطر اولین تصویری که از ادبیات پایداری و مقاومت در ذهن ایجاد می‌شود توصیف دلاوری‌ها و رشادت‌های مردمانی است که در برابر ظلم یا هجوم دشمن ایستاده‌اند؛ اما باید توجه داشت که «جنگ تنها بستر شعر پایداری نیست. به بیانی دیگر، واقعیت این است که موضوعات پایداری و مفاهیم شعر مقاومت دلالت‌های عام در زندگی بشر دارد و دوره‌های خاصی از نزاع انسان با طبیعت حکومت و بیگانه را شامل می‌شود.» (کاکایی ۱۳۸۰: ۹۴۰؛ همان، ۱۳۹۱: ۱۷۰) و «از آنجا که این نوع ادبی بیانگر درد و رنج‌هایی است که در برهه‌های تاریخی بر ملت‌ها و یا بخشی از آن‌ها می‌گذرد؛ از این رو، پیوسته نمایشگر اضداد است؛ مرگ را در برابر حیات و آزادی را در مقابل اسارت مطرح می‌کند. بنا به گفته‌ی استفان پسندر ناقد انگلیسی «درد و رنج و بدی از امور جدید نیستند؛ اگر چه در برهه‌هایی وضوح بیشتری پیدا می‌کنند» (السید نجم ۲۰۰۵ مصر؛ به نقل از محسنی نیا، ۱۳۸۸: ۱۴۶) و «در این گونه‌ی ادبی احساسات صادقانه‌ترین شکل را دارند. تزویر و تلبیس در آن جایی ندارد؛ حماسه و تغزل در آن آمیخته به هم بروز می‌کنند و عاطفه سرشارترین لحظات را در این نوع شعر تجربه می‌کند. پاسداشت انسان و تکریم مکارم اخلاق از اصلی‌ترین موضوعات این نوع ادبی است» (کافی ۱۳۸۷: ۳۸۸؛ به نقل از معین الدینی ۱۳۹۱: ۱۶۹-۱۷۰)

برای پیدایش ادبیات پایداری در ادبیات فارسی نمی‌توان زمان و دوره‌ی مشخصی را تعیین کرد و بنا بر ادعای معین الدینی (۱۳۹۱: ۱۶۹) «مقاومت و پایداری درون‌مایه‌ی جاودانه و همیشگی ادبیات فارسی

است. هیچ یک از دوره ها و گونه‌های ادب فارسی را نمی‌توان یافت که از پایداری و مقاومت تهی باشد. گویا این ویژگی از ذاتیات روحی هنرمندان و شاعران ایرانی است.»

در واقع، دهه‌ی ۱۳۶۰ را باید نقطه‌ی عاطفی در شعر شعرای ایلام تلقی نمود. فعالیت‌های ادبی در این دهه در قالب محافل و انجمن‌های ادبی بروز یافت. وقوع جنگ تحمیلی نیز بر شعر شاعران این خطه تأثیر گذاشت. شعر این دوره علاوه بر تحولات همه‌جانبه‌ای که از بلوغ شعری نشأت گرفت، شاهد تغییرات محسوسی در محتوا و مضمون بود. تجربیات عاطفی و فردی اغلب جای خود را به مضامین اجتماعی، وطنی، شهادت طلبی، رشادت، مبارزه و ... داده بود. تألمات ناشی از جنگ به شعر شاعران ایلامی راه یافت و نمادهای دینی، ملی و تاریخی از بسامد بالایی برخوردار شدند. به صورتی که طرح اسطوره‌ها و چهره‌های ملی و احساس رقیق وطن‌گرایی بی آن که به مرزهای ملیت پرستی نزدیک شود، همواره با باورهای دینی به ویژه شیعی در شعر حضوری جدی و ملموس داشت. (سنگری، ۱۳۸۵: ۲۲).

شاعران ایلامی را می‌توان به سه دسته تقسیم کرد: (۱) شاعرانی که در دهه‌ی پنجاه و پیش از آن متولد شده و دوران جنگ و مشکلات آن را مستقیماً درک کرده و از تجربیات عینی و عملی برخوردار یا در جبهه‌های جنگ حضور داشته و یا با سختی‌ها، آوارگی‌ها، بیابان‌گردی‌ها و سوگواری‌های مردم در این دوران سهمیم بوده‌اند؛ (۲) شاعران دهه‌ی شصت که در زمان جنگ متولد شده و دوران کودکی آنان با جنگ همراه بوده است. این گونه شاعران هرچند مستقیماً در جنگ شرکت نداشته‌اند، باز خاطرات جنگ به نوعی در ضمیر ناخودآگاه آنان ثبت شده است؛ (۳) شاعران دهه‌ی هفتاد و بعد از آن، که جنگ را تجربه نکرده، بلکه به طور غیر مستقیم و بر اساس خاطرات شفاهی یا کتبی دیگران درک نموده‌اند.

**مضامین شعر دفاع مقدس**

منظور از اصطلاح «مضمون» در این جا، کاربرد رایج آن است که معادل «Content» انگلیسی و به معنای مفاد، مندرجات و محتوا می باشد. البته، «گفتمان شعر دفاع مقدس را می توان به طور کلی به دو شاخه‌ی ایدئولوژیک و انسانی - انتقادی تقسیم کرد. در گفتمان ایدئولوژیک شعر بر اساس لحن کلام شاعر به انواعی نظیر شعاری شورانگیز، حماسی - ملی، حماسی - عرفانی، نوستالوژیک و... تقسیم می شود؛ در حالی که در گفتمان انسانی - انتقادی، بیشتر با نگاهی انسان شناسانه، فرا ملی و ساختار شکنانه نسبت به پدیده‌ی جنگ مواجه هستیم.» (ضیایی و صفایی، ۱۳۸۹: ۱۸۹). به نظر می رسد در آثار شاعران استان، رشرهایی که در مورد جنگ تحمیلی سروده شده اند، عمدتاً از نوع گفتمان‌های ایدئولوژیکی هستند. رشاعران ایلامی هم از نظر محتوا همراهی و هم سویی خود را با رزمندگان ابراز داشته و هم از نظر ساختار واژگانی نظیر واژه هایی از قبیل: جهاد، ایثار، ایمان، پایداری، مصاف، بسیج، اتحاد و... کوشیده اند با خلق تصاویر حماسی و تشجیع رزمندگان و مجاهدان پشت جبهه بر مقابله با متعرضان تأکید نمایند. علاوه بر آن، در سروده‌های آنان لحن ساختار شکنانه، گلایه از آسیب‌های اجتماعی یا تصویری که نشانگر انزجار از جنگ باشد، مشاهده نمی شود.

عمده ترین مضامین و مفاهیم مرتبط با جنگ تحمیلی که در شعر شاعران فارسی سرای ایلامی، انعکاس یافته، عبارتند از: شهیدان، رشهادت طلبی، جاویدالآثرها، جانبازان، آزادگان، جبهه، شهرهای جنگ زده و... در این مقاله تلاش شده است، مختصات و چگونگی تجلی هر کدام از این مفاهیم با ذکر شاهد مثال‌هایی متناسب نمایانده شود.

**شهیدان:** یکی از موضوعات مهم که به گستردگی در شعر شاعران استان ایلام مشاهده می شود، پرداختن به شهیدان و بیان رشادت‌های آن‌هاست. شاعران حدیث و ارستگی بزرگ مردانی را به شرح و توصیف نشسته اند که با خون خویش بساط ناروایی ها را در نور دیدند و با ایثار و جهاد،

شگفتی‌ساز دوران شدند. در این گونه سروده‌ها پرواز بیکرانه‌ی کبوترانی به تصویر درآمده‌اند که جهان آفرینش برای پرواز آنان کم وسعت و بی‌مقدار است.

کاربرد مضامینی چون کویر سوخته، آشیانه‌ی عنقا و هدهد در ابیات زیر، نشانگر آموزه‌هایی است که شاعر در مطالعه‌ی آثار ادب فارسی کسب کرده است:

پرنده‌ای که پناهی جز آسمانش نیست      کویر سوخته‌ی خاک آشیانش نیست  
به آشیانه‌ی عنقا رسید هدهد ما      چه غم اگر که در این آشیان نشانش نیست

(سارایی، ۱۳۸۰: ۱۱۷-۱۱۸)

شهیدان، عاشوراییان عرش آشیانی هستند که عاشقانه بی‌کرانگی آسمان را برای مسکن و مأوای خود برگزیده‌اند:

آن فوج پرندگان که در پروازند      در قحط ترانه‌ها غزل پردازند  
غمگین و غریب مثل غوغای غروب      آن سوی غروب غرق در آوازند

(ادیب، ۱۳۸۰: ۲۷)

شاعر گاه برای توصیف شهیدان از عناصر و نمادهای طبیعی معمول همچون سرو، غنچه، پرنده و ... استفاده می‌کند که در شعر فارسی رایج هستند و برخی دیگر چون «مین» حاصل تجربیات جنگ است:

می نویسم شرح باران شرح برگ      از هلال سرو در باد و تگرگ  
غنچه‌های ریخته بر روی مین      داغ‌های تا قیامت بر جبین

(نوراللهی، ۱۳۸۲: ۸۰)

و گاهی به توصیف شجاعت و مردانگی شهید می‌پردازد و مسیر و مبارزه‌ی وی را به طی کردن هفت خوان تشبیه می‌کند. البته، این استعاره‌ای از متون کهن فارسی است و به کارگیری اصطلاحاتی همچون «شرجی» و «شطی از آینه‌ها» نیز تأثیر پذیری شاعر از زبان شاعران فارسی سرای دیگر مناطق است:

در شبی دم کرده‌ی شرجی میان شعله‌ها      مرد بود و می‌گذشت از هفت خوان شعله‌ها

مرد بود و شطی از آینه‌ها در باورش      جلوه گر شد چون یقینی در گمان شعله‌ها

(رضایی، ۱۳۸۵: ۴۸)

وصف تشییع پیکر شهدا و تابوت آنان بر دست مردم شهرها یکی دیگر از موضوعاتی است که در شعر

این دوره دیده می‌شود. این توصیف‌ها غالباً با بیان احساسات شاعر و نوع نگرش او همراه است:

بر شانه های زخمی شهر/ که عبور می کردی/ کوچه انباشته از جوی باران شد/ در ازدحام طراوت روشنی

می یافت/ و من در انبوه آینه ها گم می شدم/ تو با تمام ابرها دریاها نسبت دیرینه داشتی/ یادت جاودانه باد

(پورمند، ۱۳۸۵: ۴۵)

... با چشمان خزان زده و پوسیده/ بر گرده‌ی زخم‌های شانه ام می‌کشم/ تابوت کبوتران سپید را/ با نور،

جسدش را غسل داده/ به دست حضرت دوست می‌دهیم... (بازگیر، ۱۳۸۵: ۳۰)

یادآوری خاطره‌ی شهدا و غم و حسرت از دست دادن آنان یکی از مضامین عمده‌ی شعر جنگ است.

شاعر با کلماتی نشأت گرفته از احساس و عاطفه، زندگی بدون شهید را سیاه و بیهوده

می‌بیند و از غم و حیرانی خود در فراق دوست ناله و گلایه سر می‌دهد و او را در هر کجا

می‌جوید:

هر چند کاربرد «طوفانی است این روزها دریا بدون تو» رنگ و بوی محلی ندارد؛ ولی شاعر با چینش

مناسب واژه‌های عاریتی و ایجاد شبکه‌ی مراعات نظیر این کاربرد را طبیعی جلوه داده است:

رنگ عدم می‌گیرد این دنیا بدون تو      طوفانی است این روزها دریا بدون تو

وقتی نباشی زندگی از ما گریزان است      زندان شده است ای آشنا این جا بدون تو

(احمدی، ۱۳۸۵: ۱۱)



به رؤیت در نمی‌آیی کجای خاک پنهانی      به دیدار تو مشتاقم برآی ای ماه پیشانی

شب و خاموشی بی تو به سر بردن تباهم کرد      چه می‌شد گر شبی در خلوتم چشمی بچرخانی

(پورا احمد، ۱۳۸۵: ۳۶-۳۷)

زمین آهسته می‌گرید زمان جز آه و شیون نیست

جنون می‌روید از صحرا نشان از یاس و سوسن نیست...

صدای عابری تنها شده فریاد این صحرا

کجایید ای شقایق‌ها چراغ قریه روشن نیست

(صابری، ۱۳۸۱: ۵۵-۵۶)

زبان حال فرزندان شهدا که اغلب جز قاب عکسی، خاطره‌ای از پدران خود ندارند، در شعر جنگ دیده

می‌شود:

می‌خواهم از او بگویم مردی که هرگز ندیدم

مردی که می‌رفت و می‌گفت دنبال اسبی سپیدم

مرد افق‌های دورم مردی که هرگز ندیدم

وقتی که دنبال ردش رفتم به دریا رسیدم

مردی که قابی زیاد و اسب سفیدش به جا ماند

اسبی که می‌رفت و می‌خواند کو آن سوار شهیدم

(جوهری، ۱۳۸۴: ۳۳)

عرصه‌ی ایثار و شهادت، موضوعات و صحنه‌های دلپذیر فراوانی را برای سرایش شاعران فراهم آورده

است. شاعر هنگامی که در این عرصه‌ی عشق و افتخار گام می‌نهد، ذهنش متوجه مادران بزرگی

می‌شود که با بلوغ فکری و اعتقادی سر بر سجاده‌ی طهارت، رو به قبله‌ی حاجات گذارده و بر تشهد سرخ فرزندان‌شان سلام می‌گویند:

تمام هستی مرا شکنجه گاه کرده‌ای	به شوق خلوتی دگر که رو به راه کرده‌ای
لباس اهل خانه را ولی سیاه کرده‌ای	محلّه‌مان به یمن رفتن تو روسپید شد
و نا امید گفته ام که اشتهابه کرده‌ای	چه روزها که از غمت به کفر لب گزیده‌ام
دل مرا شکسته ای بین گناه کرده‌ای	چه بارها که گفته‌ام به قاب عکس کهنه ات
فقط سکوت کرده ای فقط نگاه کرده‌ای	ولی تو باز بی‌صدا درون قاب عکس خود

(کاکایی، ۱۳۸۰: ۱۸۰-۱۸۱)

واژگان «کوه» و «بلوط» شخصیتی بومی به این غزل بخشیده و بر عاطفی بودن شعر افزوده است:

نشسته کنج اتاقی نگاه می‌بافد	به تار پنجره‌هایی که رو به پرچین است
به گوش ثانیه‌های سیاه می‌گوید	به روی ساقه‌ی گل سایه‌ی تبر زین است
تمام خاطره‌ها را نهاده گوشه‌ی اتاق	درون قاب سیاهی که عطر آگین است
کنار کوه و درخت و بلوط افتاده است	دلآوری که کنارش تفنگ خونین است
زمان به نام شهیدان سرود می‌خواند	زمین ز خون سواران صبح رنگین است
نگاه کن به فراسو، به عشق، مادر من	به زندگی که پر از لحظه‌های شیرین است

(سپیدنامه، ۱۳۸۳: ۱۹)

**شهادت طلبی:** موضوع دیگری که به سروده‌های ادبیات پایداری طراوات داده است، شور و اشتیاق رزمندگان در استمرار حضور در جبهه و لحظه شماری برای فرا رسیدن زمان حمله بوده است. در این سروده‌ها رزمندگان، عاشقان دل‌سوخته‌ای بوده‌اند که به خوبی دریافته‌اند، ایستادگی در برابر تعرض و مبارزه‌ی با تجاوزگران، سربلندی دنیا و سرافرازی آخرت را به دنبال دارد. آنان با حال و هوای عاشقانه می‌جنگیدند، مبارزه برای رزمنده در ظاهر جنگ خلاصه نمی‌شد. نبرد او بر اساس توکل و شوق وصال بود، جنگ برای او هدف نبود و هدف اصلی و قلبی او، وصال عاشقانه بود. «(امیری خراسانی و حسن

پور، ۱۳۸۹: ۳۷-۳۸). از این رو، در اوج آگاهی با اقتدا به سالار و سرور خود، امام حسین (ع) آرزو داشتند در شط سرخ شهادت غوطه‌ور گردند و شاعران که این احساس پاک مردان بزرگ را دریافته، عاشقانه، حنجره‌ی خود را ارزانی آرزوی آنان کرده و حدیث دلدادگی‌شان را بیان نموده‌اند. در مثنوی زیر، عبارت- های «داستان دیو» و «جنگ بین رستم و سهراب» مضامین عامی هستند که به شعر رنگ حماسی و ملی می- دهند:

این که می‌گویم همه درد دل است      گفتنش در مثنوی بس مشکل است  
داستان دیو با گرداب نیست      جنگ بین رستم و سهراب نیست

(ادیب، ۱۳۸۰: ۳۷)

بی‌قرارم علاج آن سفر است      مرهم زخم عاشقان سفر است  
دل به این شهر بستنم تا کی      آخر این جا نشستنم تا کی...

(احمدی، ۱۳۸۵: ۱۷)

باز امشب پر از تاب و تبم      آیه‌ی سبزه شهادت بر لبم  
باز امشب هم رکاب جاده است      حرف هایم چون شهیدان ساده است

(بازگیر، ۱۳۸۵: ۳۳)

**جاویدالآثرها:** پرداختن به رزمندگان «مفقود الاثر» موضوع دیگری است که توجه شاعران ادبیات مقاومت را به خود معطوف نموده است. در این گونه ابیات، رزمندگان با نوشیدن جرعه‌ای از ساغر سرخوش ملکوت، به وادی مسحوری و سرمستی گام نهاده، با روحیه‌ای خستگی ناپذیر از عالم محسوس گذشته، به ساحت حضور دست یافته و با تاختن بر دشمن دون، از خود هم به ظاهر اثر و نشانی بر جای نگذاشته‌اند. سراینده‌گان این مهم را دریافته و بسیاری از سروده‌های خود را با یاد این مستان مدهوش آفتابی نموده‌اند:

کسی مانند آتش شعله وار است      کسی هر شب تو را چشم انتظار است  
کجا باید بگویم درد خود را      سفر کرده کس من بی مزار است

(جابری، ۱۳۸۵: ۴۷)

وصف حال یاران و خویشان منتظر که در رنج هجران عزیزان خود به سر می‌برند، از موضوعاتی است که در این گونه آثار دیده می‌شود. در نمونه‌ی زیر، شاعر با استفاده از کلمات «مستجاب»، «مزار بی‌ضریح» و «زیارت» رنگ و بوی مذهبی شعر را افزایش داده است:

کسی که سال ها مشق شهادت کرد      خدا آخر دعایش را مستجاب کرد  
دلَم این طفل بازیگوش بعد از تو      به اندوه عمیق عشق عادت کرد  
همان روزی که بی نام و نشان رفتی      مرا داغ تو سرگردان غربت کرد  
به شوق گریه کردن کاشکی می‌شد      مزار بی‌ضریح را زیارت کرد

(رحمتی، ۱۳۷۶: ۴۳-۴۴)

**جانبازان:** یکی از محورهای شعر شاعران پایداری، پرداختن به وضع جانبازانی است که با ایستادگی خود، ارزش های دفاع مقدس را جاودانه ساختند؛ آینه دارانی که با جانبازی خود، غبار فراموشی را از چهره‌ی واقعیت‌های دفاع هشت ساله زدودند. شاعران با ایجاد هویت اسلامی- ایرانی، جانبازان را نماد ایمان، اعتقاد و پایداری می‌دانند. در این گونه سروده ها، جانبازان کبوتران در خون تپیده‌ای هستند که عطر شهادت را در آستین دارند، بر همه‌ی نسل‌ها می‌گذرند و پیام راست کرداری، وارستگی و استقامت را در گوش زمین و زمان زمزمه می‌نمایند. گاهی شاعر برای تقویت کلام خود از نمادهای ملی و دینی استفاده می‌کند. شاعر در سروده‌ی زیر، با به کارگیری واژه های «کربلا» و «سربداران» به مقاومت، تحمل سختی‌ها و جان فشانی‌ها صبغه‌ی ملی و دینی داده است:

ما را بمیرانید حرفی نیست ما را بسوزانید طوری نیست

خاکستر ما هم اگر باشد چون چشمه‌ها از خاک می‌جوشیم

این جا کسی بیگانه با دل نیست این جا کسی بیهوده مجنون نیست  
از کربلا جامی به ما دادند کاین گونه چون می خورده مدهوشیم

یک دل نه صد دل عاشق مرگیم ما را مترسانید از مردن

ما از نژاد سربدارانیم ما مردمان دار بر دوشیم

(شیخ محمدی، ۱۳۸۵: ۵۷)

انگار نطفه‌ی دل این مرد را خدا	با دست‌های سبز خودش داده پرورش
انگار از تحمل ایوب خارج است	زخمی که سوخته دل او را بدین روش
انگار لحظه لحظه اجل چاه می‌شود	با سرفه‌های خونی از آن می‌کند پرش

(عبدی، ۱۳۸۵: ۶۸)

آزادگان: واژه‌ی «تسلیم» در عرصه‌های نبرد برای رزمندگان مفهوم و جایگاهی نداشته و تا آخرین

لحظه‌ی ممکن مقاومت می‌نمودند؛ اما اگر در دام دشمن اسیر می‌شدند، در اسارت، مبارزه‌ی جدیدی را

آغاز می‌کردند، مبارزه‌ای که حماسه و عرفان تار و پود آن را بافته بود. در سروده‌هایی که چنین محتوایی

دارند، شاعران با بیانی پویا و سرشار از باورهای اعتقادی به ایستادگی رزمندگان در بند، پرداخته‌اند:

دلم گرفته برای کبوتری که اسیر است	عزا نشسته به جای کبوتری که اسیر است
امید آمدنش باورم شده که دوباره	نشسته ام به هوای کبوتری که اسیر است
قفس دلان سیاهی هزار میله‌ی غربت	تنیده اند به پای کبوتری که اسیر است

(شیخ محمدی، ۱۳۸۵: ۵۶)

بدون شک / هنوز زندانی هست / که صبح پنجره هایش / با خمیازه‌ی رزمنده‌ای آغاز می‌شود / که سی سال /

صدایش را سکوت کرده است / هنوز / پای در بندی هست / که پای بند نشده است / او نمی‌داند تهران

چقدر بزرگ شده است / ماشین‌ها چقدر زیاد شده اند / پیاده روها مملو از / عکس کیست / و ما چقدر

عوض شده ایم/ رزمنده ای هست/ که هنوز به «امام» فکر می‌کند/ کافی است/ ساعت را/ به وقت بغداد/

کوک کنیم.

(نورالهی، ۱۳۸۰: ۲۳۴-۲۳۵)

**جبهه و خاطرات آن:** معرفت و محبت یکی از ارزش‌هایی بود که در درون سنگرها و جبهه‌های جنگ رویداد و به بار نشست. در میدان‌های مبارزه، نژاد و موقعیت‌های اجتماعی کاملاً بی‌رنگ شدند و جملگی رزمندگان در فضایی سرشار از عشق به خداوند و دوستی و ایثار نسبت به یکدیگر به رزم بی‌امان خود ادامه می‌دادند. دوستی‌های جبهه، عاشقانه و بی‌غرض بود و در عین جنگ، فضایی مهربان و قدسی می‌آفریدند و جبهه نقش اساسی در پیوند عاطفی بین رزمندگان داشت. (زاهدی مطلق، ۱۳۸۴: ۱۴۰)؛ و به واسطه‌ی چنین فضای روحانی که همه‌ی عرصه‌های نبرد را در بر گرفته بود، هر روزی که سپری می‌گردید، دل‌بستگی و انس رزمندگان نسبت به هم بیشتر می‌شد. به سبب موقعیت گران قدری که در جبهه‌ها خلق شده بود، یاد خانه و خانواده چندان ذهن رزمندگان را به خود مشغول نمی‌نمود و با وحدت نظر و چهره‌ای پایا بر استمرار مبارزه تاکید داشتند. سرایندگان ایلامی که از نزدیک شاهد چنین وضعیتی بودند، با واژگان زلال و آسمانی، این حال و هوا را در شعرهای خود نمایان ساختند.

در این مثنوی کاربرد واژه‌های «بچه‌های ساده‌ی تیپ امیر» و «ایلیاتی‌زاده‌های ناشناس» جنبه‌های محلی و بومی شعر وحسی و عاطفی بودن آن را تقویت کرده است:

یاد آن سجاده‌های پر ز تیر      بچه‌های ساده‌ی تیپ امیر

عاشقان آشنا با بوی یاس      ایلیاتی‌زاده‌های ناشناس

ناله‌های هورالهویزه یاد باد      آن نماز زیر نیزه یاد باد

(شیخ مرادی، ۱۳۸۰: ۱۴۲)

شاعر با ذکر ردیف «یادتان به خیر» اوج حسرت خود را به سبب از دست دادن یاران بیان می‌کند و روزهای خوش گذشته را به یاد می‌آورد:

ای روزهای رفته‌ی ما یادتان به خیر      اندوه‌های عقده‌گشا یادتان به خیر  
ما که ز یاد رفته‌ترینیم بی‌گمان      اما شما همیشه یادتان به خیر  
هرگز مباد آن روز که فراموشتان کنم      ای روزهای خوب خدا یادتان به خیر  
رفتید و کس به رفتنتان اعتنا نکرد      ای دوستان رفته‌ی ما یادتان به خیر

(ناصری، ۱۳۸۵: ۹۳)

عده‌ای از شاعران از این که ارزش‌های خلق شده در جنگ تحمیلی بی‌رنگ یا فراموش شده و بی‌دردان مرفه، سعی در کم رنگ نمودن دستاوردهای آن‌ها داشته، نگران و دلواپس بوده‌اند و به عنوان ایرانی معتقد به ارزش‌ها، در سروده‌ها با حسرت و تأثر اعتراض و دل‌تنگی خود را ابراز نموده‌اند و عافیت‌طلبانی را که در روزگار جنگ، گرفتار تعلقات و دنیا طلبی شده و در میدان جنگ حضور نیافته‌اند، مذمت و سرزنش کرده‌اند:

بیهوده نوشتید از آن‌چه ندیدید      تا گاه عمل شد از جنگ بریدید  
یک حوصله ماندن با ما نشستید      یک لحظه در اندوهی، آهی نکشیدید  
یک بار به آتش دل را نسپردید      یک بار به ناگاه ترکش نکشیدید  
تا خوف و خطر را در خویش شکستیم      صد عافیت آباد از شرم خزیدید  
تا دغدغه‌ی مرگ از قافله برخاست      صد کوچه سپر را از ترس دویدید  
دیروز در آن جا ما زجر کشیدیم      امروز شماها خون خواه شهیدید

(محمدی، ۱۳۸۰: ۲۰۲-۲۰۳)

فراموشی روزهای جنگ، غفلت از آرمان های شهیدان، بی فروغ شدن رنگ ایشار و... روح حساس  
برخی از سرایندگان را آزرده کرده است؛ از این رو، خود اتهامی را به صورت تحذیر و هشدار بیان  
نموده اند:

مبادا گم شود در ذهنمان احساس سنگرها      مبادا گم شود در یادمان یاد ابرها  
مبادا گم شود دیروزهای ساده و سربی      مبادا گم شویم امروز در چنبرها زرها...  
شما رفتید با زیباترین راهی که ممکن بود      و ما ماندیم ما بیچاره ها ما نابادرها...

(شیخ محمدی، ۱۳۸۵: ۵۲-۵۳)

**شهرهای جنگ زده:** بسیاری از شهرهای مرزی در هجوم غافلگیرانه به اشغال دشمن درآمدند. شهرهای  
قصرشیرین، سومار، سرپل ذهاب، مهران، دهلران و... پیوسته میزبان، توپ، تانک و هواپیمای دشمن  
بودند و هر روز صدها توپ و خمپاره بر سرشان فرود می آمد، با غرش هواپیماهای جنگی از خواب  
بیدار می شدند و با زوزهی خمپاره ها شب را به صبح می رساندند. در هر کوی و برزنی از این شهرها رد  
پای مزدوران بعثی مشاهده می شد، درختان با قامتی استوار، این رفتار وحشیانه و ظالمانه را تحمل  
می کردند و خرابه ها شاهد وحشیگری ناجوانمران خون آشام بودند. شاعران با سوز و گداز، به مقاومت  
این شهرها، مصائب مردم و خونهای به ناحق ریختهی شهرنشینان پرداخته، با الفاظ از جان برآمده،  
مرهم گذار زخمهای آنان شدند. در شعرهایی که با مضمون شهرهای جنگ زده سروده شده اند، فضای  
بومی بیشتر احساس می شود و این موضوع اغلب از تجربیات و ادراک شخصی شاعران نشأت  
می گیرد. آنان به صورت مستقیم یا غیر مستقیم شاهد ویرانه شدن شهرها بوده و در سروده ها تحت تأثیر  
این واقعیت قرار گرفته اند:

این شهر چو در دست ستمکاران بود      چشمان همه مضطرب و گریان بود  
مردم همه احساس غریبی کردند      انگار که مهران همه ی ایران بود



(شیخ محمدی، ۱۳۸۵: ۶۲)

آه شهرم بار دیگر جان بگیر  
خشم را آتش بزن دیر است دیر  
هر چه احساس است تشویش نیست  
این خیال صبح وهمی بیش نیست

(رضایی، ۱۳۸۰: ۱۰۶-۱۰۷)

ای سرزمین سوخته با من سخن بگو  
از نعل‌های سوخته‌ی بی کفن بگو  
از خانه‌های ویران از کوه‌های کور  
از سیل‌های ییغی بنیاد کن بگو...  
ای اسب زخم خورده بی‌زین و بی لگام  
از زادگاه زخمی من از وطن بگو

(احمدی، ۱۳۸۵: ۲۵-۲۶)

### نتیجه گیری

هشت سال جنگ تحمیلی، رویداد گسترده‌ای بود که تمام جوانب اجتماعی و فرهنگی و از جمله همه‌ی زوایای هنر را تحت تأثیر قرار داد. البته، نفوذ تأثیرات ناشی از جنگ در همه‌ی مناطق ایران یکسان نبود و شهرهایی چون ایلام که در تماس مستقیم با جنگ و مصائب آن بودند، به مراتب تحت تأثیر شدیدتری قرار داشتند. اکنون که نزدیک به سه دهه از جنگ می‌گذرد، تأثیرات ناشی از آن در فرهنگ، ادبیات و شعر نمایان‌تر است. در این مقاله، ضمن معرفی اجمالی شعر شاعران ایلامی، مضامین مرتبط با جنگ در اشعار شاعران ایلامی مورد بررسی قرار گرفت و برای هر مضمون، شاهد مثالی به صورت نمونه ذکر گردید. عمده‌ی این مضامین عبارتند از: شهید و شهادت طلبی، جاویدالآثرها، جانبازان، آزادگان، جبهه و شهرهای جنگ‌زده. ویژگی‌های شعر جنگ و چگونگی تجلی آن در شعر فارسی شاعران ایلامی را می‌توان به طور خلاصه چنین بیان کرد:

۱. چون این سراینندگان معمولاً جنگ و تبعات آن را به وضوح درک و تجربه کرده‌اند، توصیفات آنها از مضامین، به خصوص مضامینی همچون شهید و شهادت طلبی و جبهه با شور و احساس بیشتری همراه است.

۲. شاعران ایلامی همچون دیگر شاعران سایر مناطق به سبب مطالعات مختلف متون ادبی، در سروده‌های خود، تحت تأثیر ادبیات فارسی هستند و بن مایه‌هایی از اندیشه و تفکر ملی در توصیفاتشان دیده می‌شود. کاربرد واژگانی چون «هفت خوان»، «رستم و سهراب»، «سربداران»، «شطی از آینه‌ها»، «شرجی» و... بیانگر این گونه توصیفات است.

۳. ذکر عناصری همچون «کوه»، «درخت بلوط»، «تیپ امیر»، «ایلیاتی زاده» و... به این آثار رنگ و بوی محلی بخشیده است.

۴. کاربرد واژگان و عناصر مرتبط با دین و آموزه‌های مذهبی در این آثار حضور خاصی دارد. واژگانی چون «امام»، «کربلا»، «سجاده»، «دعا»، «ضریح»، «زیارت» و... از این دسته عناصر هستند.

## منابع و مأخذ

- امیری خراسانی، احمد و عسکر حسن پور، (۱۳۸۹)، «مؤلفه‌های پایداری در سیمای شخصیت‌های رمان دفاع مقدس» نشریه ادبیات پایداری، سال اول، شماره دوم.
- بصیری، محمد صادق، (۱۳۸۸)، «سیر تحلیلی شعر مقاومت در ادبیات فارسی»، انتشارات دانشگاه شهید باهنر کرمان.
- در آستان سپیده، (۱۳۸۴)، مجموعه‌ای از سروده‌های شاعران استان ایلام، به کوشش واحد ادبیات حوزه هنری استان ایلام، سوره، تهران.
- رستم پور، محمدرضا، (۱۳۸۵)، هفت مرتبه باران، نقش آفرینان بابکان، تهران.
- زاهدی مطلق، ابراهیم، (۱۳۸۴)، نویسندگان نسل باروت، انتشارات صریر، تهران.
- سارابی، ظاهر و کامران محمد رحیمی، (۱۳۸۵)، تاریخ ادبیات استان ایلام، دبیرخانه مشترک شورای پژوهشی و شورای فرهنگ عمومی.
- \_\_\_\_\_، (۱۳۷۶)، شاعر قله‌های مه‌آلود، چاپ اول، انتشارات گویه، تهران.
- سپید نامه، بهروز، (۱۳۸۳)، از زمین باران، بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس، تهران.
- \_\_\_\_\_، (۱۳۷۶)، صبح نقره‌ای، انتشارات قلم، ایلام.
- سلیمانی، بلقیس، (۱۳۵۷)، کتاب و جامعه، (مجموعه مقالات ۴)، سروش، تهران.

- سنگری، محمد رضا، (۱۳۸۵)، نقد و بررسی ادبیات منظوم دفاع مقدس، انتشارات پالیزبان، تهران.
- صابری، علی رضا، (۱۳۸۱)، شکستن در آینه، انتشارات برگ آذین، ایلام.
- ضیایی، حسام وعلی صفایی، (۱۳۸۹)، «بررسی جامعه شناختی گفتمان‌های شعر جنگ تحمیلی»، نشریه ادبیات پایداری، سال اول، شماره دوم.
- کافی، غلام رضا، (۱۳۹۰)، «ویژگی‌های سبکی منظومه‌های دفاع مقدس»، نشریه ادبیات پایداری، سال سوم، شماره پنجم.
- \_\_\_\_\_، (۱۳۸۷)، «ویژگی‌های مشترک شعر مقاومت در ادبیات ایران و جهان»، نامه‌ی پایداری، به کوشش احمد امیری خراسانی، مقالات دومین کنگره ادبیا پایداری، اداره کل حفظ آثار و ارزش‌های دفاع مقدس و دانشگاه شهید باهنر کرمان.
- کاکایی، عبدالجبار، (۱۳۸۰)، بررسی تطبیقی موضوعات پایداری در شعر ایران و جهان، نشر پالیزبان، تهران.
- محسنی نیا، ناصر، (۱۳۸۸)، «مبانی ادبیات مقاومت معاصر ایران و عرب»، نشریه ادبیات پایداری، سال اول، شماره اول.
- معین الدین، فاطمه، (۱۳۹۱)، «جلوه‌های رمانتیسیم در شعر مقاومت سید حسن حسینی»، پژوهشنامه ادب غنایی، سال دهم، شماره هیجدهم.
- نورالهی، نورالدین، (۱۳۸۰)، پیاده تا عرش، انتشارات برگ آذین، ایلام.
- \_\_\_\_\_، (۱۳۸۹)، روزهای رفته از خاطر، انتشارات برگ آذین، ایلام.
- \_\_\_\_\_، (۱۳۸۲)، دارد چیزهایی از تو یادم می‌آید، انتشارات طلور، ایلام.
- \_\_\_\_\_، (۱۳۸۲)، ساعت به وقت بغداد، انتشارات طلور، ایلام.

# The Representation of War in Ilamian Poetry

**Mohammadjalil Bahadori,\***

## **Abstract**

This study attempts at introducing contemporary Persian poetry of Ilam province. It is important to stress that from sixties, the poetry of Ilam has witnessed its remarkable ripening and at the same time got its specific features through its local symbols. One of the most important events that has remarkable impacts on the contemporary poetry and specially on the works of Ilamian poet is the concept of imposed war. The specific symbols and motifs of this war have influenced the mind and the soul of Ilamian poets so that no work can be released from their effects. Martyrdom, front and its memories, captive, self sacrificed, missing, and the description of war-stricken cities are among the most important motifs of this kind of poetry. Ilamian poet either have experienced the moments and the events of imposed war or frequently

heard and felt from others. So, war is an integral part of the mind and the soul of these poets and has been manifested in their poetry.

**Key Words: Poetry, Ilamian Poet, War, Stability Literature**

The Faculty Member, Department of Persian literature, Ilam Branch, Ilam azad University, Iran